

ب

حضرت افنان جناب حاجی سیّد علی علیه بهاء الله الأبھی

ربیع الأول سنة ۱۳۰۷

هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار

حمد حضرت مقصودی را سزاست که بانوار آفتاب حقیقت مدن و دیار را بنور معرفت مزین فرمود و آذان طاهره مقدسه را باصغاء ندا مؤید ساخت من فاز بالاصغاء فاز بالاستقامه مقصود از اصغاء حق الاصغاء بوده و هست چنانچه مشاهده شد از قبل قد سمعوا و اعرضوا و یسمعون و یعرضون و الصلوة و السلام علی حبیبه و صفیه الّذی اختاره لاطهار امره و ابراز احکامه و اوامره و علی آله و اصحابه الّذین بهم تمت حجّة الله علی خلقه و ظهرت سطوة الله بین عباده روحی لذکرکم الفداء و لاستقامتکم الفداء دستخط مبارک رسید فی الحقیقه حامل مژدهها بود چه که صحّت و سلامتی مزاج عالی را مبشّر و همچنین مراتب و مقامات خلوص و انقطاع و تشبّث و توسّل را مخبر خبیری بود دانا و حنیفی بود ناطق و توانا و بعد از مشاهده و قرائت قصد مقام نموده امام وجه عرض شد فرمودند نسأل الله تبارک و تعالی ان یوفّقه علی ما ینبغی و یفتح علی وجهه ابواب البرکة و العنایة و یظهر منه ما ینبغی للناس الی صراطه و یرزینهم بطراز الأمانة و العفة انه علی کلّ شیء قدير

و نذکر افنانی من اهل الوفاء الّذی سمی بسید آقا و نبشّر من سمی بمحمّد قبل رضا و نسأل الله تعالی ان یکتب لهما من قلمه الأعلى ما لا ینفد و یكون باقیاً ببقاء اسمائه الحسنی و صفاته العلیا و نذکر اولیائی هناک و نسأل لهم البرکة و العافیة من الله مولی البریة و نقول الّهی الّهی فاجعل عاقبة امورهم خیراً انتهى
این خادم فانی لازال از حقّ جلّ جلاله از برای هر یک از افنان طلب نموده آنچه را که سبب فیض اعظم است از برای امم آنه مالک العالم و هادی عباده الی اسمه الأقدم الأکرم و همچنین از برای اولیا علیهم سلام الله طلب نموده آنچه را که سزاوار بخشش اوست آنه هو المقتدر القدير و بالاجابة جدير

ذکر محبوب روحانی جناب آقا میرزا ابوالفضل علیه بهاء الله را نمودند و همچنین حبیب روحانی جناب آقا میرزا عبدالکریم و اولیای آن ارض یعنی عشق آباد را فرمودند بعد از عرض فرمودند آنچه را که امطار ربیع عنایت است از برای نهالهای وجود و نسیم مکرمت است از برای نفوس مستعدّه از غیب و شهود از قبل دو ورق از بیانات که از هر کلمه آن عرف فضل و رحمت و عنایت متضوّع بود بتوسّط آقای مکرم حضرت افنان علیه بهاء الله الأبھی بآن ارض ارسال شد و در ثانی هم چون آن حضرت اراده ذکر فرمودند امر بارسال سیّالة برقیّه شد یسأل الخادم ربّه بأن یؤید الکّل علی ما یحبّ و یرضی و یوفّقه علی ما ترتفع به مقاماتهم بین الأحزاب آنه هو المقتدر علی ما اراد و هو الأمر الحکیم

اما فقره جناب ملا محمد علی (تفتی) علیه بهاء الله بعد از عرض فرمودند جناب مذکور حین ورودش در سجن آنچه داشت ارسال نمود و امر باخذ شد ولكن الی حین تصرف ننمودیم و حال نظر باینکه ایشان مجدد اراده ارسال مقداری نموده اند آن وجه را قبول مینمائیم که او هم این وجه ثانی از جانب ما قبول نماید هذه عنایة من عندنا از قبل مظلوم باو سلام برسان و بعنایات لاتحصی بشارت ده افنان میدانند و مطّلعند قبول این مظلوم وجه قبل را محض محبّت بایشانست الی حین از اکثری قبول نشده و از ایشان مرتبه اول بطراز قبول فائز ليقبل منا فقره الثانية نسأل الله ان یفتح علی وجهه ابواب عنایت و فضله و برکنه و یجعله من الّذین فازوا بذکره فی بلاده و نصرة امره بین عباده بالحکمة و البیان آنه هو المقتدر العزیز المنان انتهى

مجدّد در ذکر اولیای ارض عین و شین فرمودند یا اولیائی هناك انتم مفاتيح ابواب الاستقامة بين البرية و رايات الهداية بين الخليفة بكم يثبت توحيد ذاته و تنزيه كينونته نوصيكم يا اولياء الله بالحكمة و بما ترتفع به مقاماتكم و شؤونكم طوبى لكم و لمن يحبكم خالصاً لأمر الله ربّ الأرض و السماء و ربّ العرش العظيم ايّاكم ان تخوفكم ضوضاء القوم الذين نبذوا العدل ورائهم متمسكين بالظلم الا انهم في عذاب مهين ليس لهم ناصر و لا معين سوف تأخذهم نفحات العذاب من كلّ الجهات أنّه هو الأحد المقتدر القدير آنچه لازم است اتحاد و اتفاق و حكمت و اعتدال در امور است طوبى للذين تمسكوا بحبل الاتحاد و عملوا بما امروا به من لدن عليهم حكيم

و اما فصل در هيچ احوال جايز نه فصل در آن ارض سبب اشتعال نار بغضا ميشود در جميع بلاد ايران آن ارض چون متعلق بدولت ديگر است اسباب حرّيت بدست ميآيد ولكن اين حرّيت سبب رقيت ساير احبّا است در بلاد ايران باري در جميع احوال باعتدال و اسبابي كه سبب تقرب و انجذاب قلوبست بايد تمسك نمود و اين فقره منوط باعمال طيبه و اخلاق مرضيه است كه سبب هدايت و تقرب نفوسست انه معكم يشهد و يرى و هو السميع البصير انتهى

در باره جناب مير محمد حسين بيك عليه بهاء الله و بعض عرايض آن جهات مرقوم داشتند چندی قبل مخصوص ايشان نازل شد آنچه كه حجت باقيه است از براي عالم و اهل آن و ارسال گشت يسأل الخادم ربه بأن يقرّ الأبصار بمشاهدته و الآذان باصغائه انه هو المؤيد الحكيم لازال محبوبي مير و اوليای آن اطراف از ذكور و اناث در ساحت اقدس مذکور بوده و هستند مقامشان از الواح الهی معلوم و واضحست هنيئاً لهم آن حضرت جواب نامه‌های ايشان را مرقوم فرمايند و اظهار عنایت از قبل حقّ مذکور نمايند

در باره امورات عليه مرقوم داشتند در جميع احوال از حقّ سائل و آمل اعزاز امرش را در مدن و ديار و نصرت حضرت افنان را انه معجب السائلين

و اما در باره قرآن بايد با قرآن از آقا حسينعلي اخذ شود با نوشته معتبري بمهر جمعي و تفصيل در آن مذکور گردد و در ارض طاء نزد جناب حاجي ميرزا حسن عليه بهاء الله ارسال شود و اين فقره بسيار لازم است چه كه بسيار ذكر نموده‌اند و مفترياتي نسبت داده‌اند ولكن بدوستي از آقا حسينعلي خواهش نمايند طرف معارضه واقع نشوند با هر نفسی لوجه الله محبت و شفقت لازم مگر نفوس معرضه اين حكم در كتاب اقدس از سماء امر نازل طوبى للعاملين السلام و الذكر و البهاء على حضرتكم و على من يحبكم و يسمع قولكم